

# هر چه برافراشته تر باد پرچم سرخ مائوتسه دون!

بیانیه اتحادیه کمونیستهای ایران (سریداران) بمناسبت اول ماه مه ۱۳۷۲

اول ماه مه امسال مصادف با صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون رهبر بزرگ انقلابی و آموزگار کبیر پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان است. مارکس ایدئولوژی پرولتاریا و علم انقلاب را بنیانگذاری کرده، لندن تکاملش داد و مائوتسه دون آنرا به مرحله ای نوین و عالیتر یعنی مارکسیسم - لنینیسم - مائوتسیسم ارتقا داد و بدین ترتیب مبارزه پرولتاریای بین المللی را فرسنگها به جلو راند و امروز خدمات فناناپذیرش راهگشای آغاز فصل نوینی از انقلابات اجتماعی است. در تاریخ بشر هیچ کس به اندازه مارکس، لنین و مائوتسه دون افق دید و خلاقیت انسان در تصویر جامعه ای کاملا نوین و مبارزه برای آفریدن آن بر ویرانه های جامعه طبقاتی کهن را گستره و عمق نبخشیده است. مائوتسه دون به ستمدیدگان جهان نشان داد که انقلاب کمونیستی آغاز عصر تاریخی نوینی است که نه تنها مناسبات مالکیت موجود و تمایزات طبقاتی را نابود میکند بلکه کلیه روابط اجتماعی ستمگراانه، ارزشها و دیدگاههای خفت بار و کهنه را ریشه کن مینماید. مائوتسه دون کلید دست یافتن به رهائی برای کلیه استثمارشوندگان جهان است. پس بجاست که صدمین سالگرد تولد او را بطرزی فراموش نشدنی جشن بگیریم!

اتحادیه کمونیستهای ایران (سریداران)، اول ماه مه که جشن پرولتاریای بین المللی و روز انترناسیونالیسم پرولتری است را بزرگ میدارد و فرارسیدن این روز را به تمامی زحمتکشان تبریک میگوید. ما از این فرصت برای اعلام هر چه رساتر فراخوان انقلاب اجتماعی سود می جوئیم. ما، کارگران و دهقانان، زحمتکشان شهر و روستا، زنان و جوانان شورشگر، و روشنفکران انقلابی و ترقیخواه را فرامیخوانیم که در تدارک جشن عظیم و واقعی ستمدیدگان یعنی انقلاب قهرآمیز، سهم بگیرند. این کار تلاش و قهرمانی و فداکاری میلیونها نفر را طلب میکند. این کار حاصل خونفشانی نیروی همبسته و متشکل خلق خواهد بود. توده های خلق طی خیزشهای دور و نزدیک نشان داده اند که از قهرمانی و فداکاری و کینه به دشمن چیزی کم ندارند. تازه ترین گواه این گفته، امواج کوبنده ای است که آغاز دور نوینی از مبارزات توده ای را در سال گذشته نوید داد، مشهد و اراک و شیراز و چند شهر دیگر را بلرزه درآورد و حکام ایران را هراسان و سراسیمه نمود. این فقط نمایش محدودی از توان خلق بود.

تحت رژیم جمهوری اسلامی کرد به استخوان توده ها رسیده است. برنامه های جدید اقتصادی که از طرف «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی» و امثالهم به جمهوری اسلامی دیکته میشود هدفی جز سازمان دادن استثمار و غارت لجام گسیخته بنفع امپریالیسم ندارد. رژیم اسلامی این برنامه ها را بر مردم تحمیل میکند تا شاید اقتصاد نیمه جانش نجات یافته و حکومت متزلزلش ثبات پیدا کند. بهمین خاطر است که هیئت حاکمه طرح ریاضت کشی و سفت تر کردن کمربندها را جلو گذاشته، چوب حراج به منابع و ثروتهای کشور زده، و دلالی و رشوه خواری و فساد را به یک آئین و سنت بدل نموده است. رشد جهش وار بیکاری و گبرانی، فقر و بیسوادی و گرمسنگی و شیوع مجدد بیماریهای ریشه کن شده، خانه خرابی دهقانان و خالی شدن چندین هزار ده از سکنه، بزرگترین «دستاوردهای» برنامه بازسازی جمهوری اسلامی و در واقع عملکرد امپریالیسم در ایران است. به این تصویر عمومی باید بلندتر شدن حصار اسارت زنان و تثبیت بی آیندگی و حالت برزخی جوانان یعنی بیش از ۶۰ درصد جمعیت را هم افزود.

هماظور که مائوتسه دون گفت هرچا ستم است، مقاومت هم است. توده ها در شماری فزاینده و با شتابی تند علیه رژیم ستمی که حافظ منافع مشتم بر سرمایه دار، مملکت زالی صنعت و نوکر قدرتهای امپریالیستی است با میدان مبارزه میکنند. ما نه میتوانند و نه حاضرند ستم و حقارتی که حکام اسلامی در امور سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر آنان روا میدارند را تحمل کنند. حربه مذهب در مقابل تجربه سخت و خونین توده ها کارائی خود را از دست داده، دیگر نمیتواند ذهنشان را تخدیر کند و این شرایط نکبت بار را بعنوان «نظم طبیعی امور» و «قضا و قدر» به آنها بقبولاند. اما ستمدیدگان چگونه میتوانند مسیر طولانی مقاومت تا پیروزی را بهیچگونه نمیتوانند دور باطل مقاومت و مبارزه و شکست، به هرز رفتن انرژی و از دست دادن حاصل فداکاریهایشان، یعنی روندی که از انقلاب مشروطه تا به امروز تکرار شده را بشکنند؟ آیا بالاخره خواهیم توانست انقلاب دموکراتیک نوین و سوسیالیستی را در ایران به پیروزی برسانیم و نه تنها خود را رها سازیم بلکه به رهائی کلیه ستمدیدگان جهان یاری برسانیم؟ این امر مستقیما وابسته به آن است که کدام طبقه و کدامین ایدئولوژی مبارزات مردم ما را رهبری خواهد کرد. آیا طبقه کارگر و حزب سیاسی آن که مسلح به ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم - مائوتسیسم است مشعلدار مبارزه مردم محروم ما خواهد شد یا باز هم احزابی با ایدئولوژیهای اسلامی، ناسیونالیستی، رویزیونیستی بر امید و آرزوهای آنان خاک خواهند پاشید و مبارزات آنان را به باطلاتها و بیراهه ها و بالاخره شکست خواهند کشاند. خلقهای ستمدیده ما نیازمند یک حزب مائوتسیستی و یک ارتش خلقی اند. مائوتسه دون به ما آموخته است که با داشتن یک حزب پیگیر، صاحب نقشه و برنامه انقلابی و روشن، همراه با

فداکاری و خلاقیت توده ها میتوان حماسه ها آفرید و معجزه ها کرد. ما پرچم مارکسیسم - لنینیسم - مائوتیسم را برافراشته ایم، و آن را به راهنمای انقلاب در ایران تبدیل خواهیم کرد تا مردم ما بطور موثری علیه وضع موجود بجنگند. تشدید بحران اقتصادی و سیاسی کشور بار دیگر مردم ستمدیده ما را در ابعاد گسترده وارد زندگی سیاسی مینماید. با شکست آشکار برنامه های جمهوری اسلامی، دولت ملاکان و سرمایه داران دلال امپریالیسم (که پس از سرنگونی شاه، جمهوری اسلامی نیابت آنرا به عهده گرفت) به خطر افتاده است و میرود تا به آماج اصلی خیزشهای توده ای بدل شود. دعوای باندهای مختلف هیئت حاکمه نیز مزید بر علت شده و بحران سیاسی رژیم را تشدید میکنند. در چنین اوضاعی نمایندگان سیاسی آن بخشهایی از طبقات ارتجاعی و اقشار مرفه که در حکومت فعلی سهم کمی دارند یا خارج از دایره قدرت سیاسی حاکم قرار دارند به جنب و جوش نوینی افتاده اند تا از اوضاع کنونی برای پیشبرد مقاصد خود سود جویند. نسخه ها و پیشنهادات اینها هرچند تحت ایدئولوژیها و دیدگاه های فلسفی متفاوت بیان میشوند اما به یکدیگر شباهت دارند. مقاصد جریانات مرتجعی نظیر خیمه زدگان پشت روزنامه «سلام» که در جنایت و ستمگری شرکای همتراز خامنه ای ها و رفسنجانی ها محسوب میشوند ولی با وقاحت علم پاره پاره «دمکراسی» را در فضای ملتپه جامه تکان میدهند، یا اهداف سران «نهضت آزادی» که سراسیمه و خائفانه، خیزش قهرآمیز مشهد را نتیجه توطئه گری عناصر بیگانه معرفی کردند پیشاپیش و بحد کافی روشن است.

امثال سازمان مجاهدین با ایدئولوژی مذهبی، سلطنت طلبان با ایدئولوژی شوونیستی و عظمت طلبانه آریائی و جریانات جمهوریخواه هوادار غرب با ایدئولوژی لیبرالیستی، رقیب یکدیگرند و بهم بد و بیراه میگویند اما همه شان از امپریالیستها و بالانحص امپریالیسم آمریکا که ارباب واقعی و ضامن حکومتهای استثمارگر و مستبد و فاسد مانند رژیم شاه و خمینی بوده و میباشد، میخواهند که برای «آزادی مردم ایران» (در واقع شریک کردن اینها در قدرت سیاسی) تلاش کنند! میگویند با تغییر رئیس کاخ سفید سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی هم تغییر کرده و میخواهند ملاها را کنار بزنند و «دمکراسی» بدهند. انگار چاره درد کارگران و دهقانان این است که ازدهای آدمخواری بنام امپریالیسم، شغال را از قدرت بردارد و سک زرد را بجایش بنشانند. چنین تغییری در حکومت، شاید سگان زرد را خوش آید و دولت کهنه را چند صباحی از زیر ضرب خارج کند، اما برای توده ها معنایی جز ادامه نظام ستم و استثمار و فقر و فلاکت و فجایع ناشی از آن، نخواهد داشت.

بورژوا - فئودالهای کردستان و آذربایجان و احزاب سیاسی وابسته به آنها نیز سعی میکنند توهمات ارتجاعی مشابهی را در میان خلقهای ستمدیده و دلاور کرد و ترک ما دامن زنند. آنها شعار حق تعیین سرنوشت میدهند و رفع ستمگری ملی را خواستار میشوند، اما در واقع به برنامه ها و الطاف امپریالیستها دل بسته و حقوق لگدمال شده ملی را از این معماران اصلی استبداد و ستمگری ملی طلب میکنند. ناتوانی ذاتی و تسلیم طلبی ناگزیر احزاب بورژوائی ملی در برابر امپریالیسم، در ایجاد تفرقه و برادرکشی بین ستمدیدگان ملل گوناگون را از کردستان عراق تا جمهوریهای آسیائی شوروی سابق و یوگسلاوی شاهدیم.

علاوه بر نیروهای فوق الذکر باید از انشعابات ریز و درشت حزب توده و فدائیان اکثریت، و گروه های سوسیال دمکرات و بورژوا لیبرال نام برد که یکصدنا از زیانبار و بی ثمر بودن قهر انقلابی میگویند و توده های عاصی را دعوت میکنند که با مسالمت و روش های «متمدانه» وضع را تغییر دهند.

کلیه این جریانات از یکطرف در پی مهار زدن بر جنبش توده ها هستند که مبدا ضرباتی جبران ناپذیر بر ارکان دولت کهن وارد آید. از طرف دیگر میخواهند بر این موج سوار شوند و از انرژی و فداکاری خلق، برای صعود خود به راس قدرت یا حداقل شریک شدن در حکومت، نردبان بسازند. رسالت همگی اینها علیرغم تفاوتها و تضادهایشان، در امان نگهداشتن ارکان دولت کهن و نظام استثماری از آتش قهر انقلابی توده هاست.

در ایران و کشورهائی نظیر آن، رهائی برای کارگران و دهقانان و همه کسانی که بار سنگین استثمار و ستم طبقاتی، جنسی، ملی و مذهبی را بر کرده خود احساس میکنند فقط از طریق یک جنگ انقلابی که با دورنما، استراتژی و روش مارکسیست - لنینیست - مائوتیستی پیش رود، بدست می آید. همانطور که مائوتسه دون گفت، خلق برای کسب رهائی باید ارتش انقلابی خود را داشته باشد. باید بدانند راه تبدیل شدن از نیروئی ضعیف به قوی چیست. باید طولانی و دشوار و پر فراز و نشیب بودن انقلاب را درک کند. باید نقاط ضعف دشمن را دریابد و جنگ خود را از جایی و بشیوه ای بیابازد و گسترش دهد که برای ارتش انقلابی مساعد و برای ارتش ارتجاع نامساعد است؛ یعنی از مناطق روستائی و بشیوه جنگ پارتیزانی. استراتژی محاصره شهرها از طریق دهات، راه انقلاب در ایران عقب مانده و تحت سلطه امپریالیسم است.

نه فقط ایران، که جهان نیز دستخوش بحرانی عمیق و اوضاعی انفجاری است. دوران تغییرات بزرگ، دوران جنبشها و انقلابات عظیم و هرج و مرج و آشوبی بیسابقه، همانگونه که مائوتسه دون پیش بینی کرده بود، فرامیرسد. امپریالیستها که اربابان جهان کهنه اند دیگر حتی درون دژهایشان هم آسوده خاطر نیستند. زمینه تلاطمات و شورشهای اجتماعی در کشورهای امپریالیستی مهیاتر گشته است. شورش عظیم توده های فقیر لس آنجلس در اول ماه مه سال گذشته، «هنوز از نتایج سحر» بود. در این صحنه توفانی، پرولتاریای بین المللی با مصافهائی تعیین کننده روبرو گشته و خود را برای نبردهائی بس عظیمتر آماده میکند. بورژوازی جهانی با استفاده از شکست کمونیسم دروغین در شوروی و کشورهای اروپای شرقی، کارزار ایدئولوژیک - سیاسی وسیعی را علیه کمونیسم انقلابی برافراشته است. هدف این کارزار، بی دورنما کردن پرولترها و ستمدیدگان و نومید کردن آنها از مقاومت و مبارزه است. در مقابل این تحولات و حملات، همه

جریانات «کمونیست» قلابی (هواداران شوروی برژنفی، چین تنگ سیائو پینگی، آلبانی و امثالهم) تاب مقاومت نیاورده، دچار تلاشی ایدئولوژیکی - سیاسی و در بسیاری موارد، تشکیلاتی شدند. اما نیروهای مائوئیست با قدرت ایستادند و پرچم کمونیسم را سر زنده تر از پیش به اهتزاز درآوردند، این تفاوت، خود نشانه قدرتمند و شکست ناپذیر بودن مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم است. احزاب و سازمانهای مائوئیست جهان، اهمیت مقابله با این کارزار را دریافته، ضد حمله ایدئولوژیکی - سیاسی قدرتمندی را در سراسر جهان علیه بورژوازی بر پا داشتند. کمونیسم انقلابی نه تنها منفعل و منفرد و ضعیف نشده، بلکه شمار گسترده تری را در همه قاره ها بصفوف خویش جلب کرده و اعتبارش در میان توده های ستمدیده در حال گسترش است. رو آمدن کشفیات سرمایه داری در بلوک شرق و وضعیتی که امروز گریبانگیر کارگران و دیگر زحمتکشان آن کشورهاست به برملا شدن دروغهای بزرگی که در مورد «اقتصاد بازار» بعنوان راه رهایی میگفتند انجامیده، کارزار بین المللی ضد کمونیستی امپریالیستها را از اعتبار ساقط کرده است.

بعلاوه، طبقه جهانی ما توانسته مهر خود را بر تارک انقلابی توده ای که پیروزمندانه در حال پیشروی است بکوبد. انقلاب در جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره پرو، برجسته ترین و پیشرفته ترین انقلاب در دوران کنونی است. جنک خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو با پیروی از سیاست مائوئیستی اتکاء بخود و متحد و مسلح کردن صف عظیم زنان و مردان زحمتکش، تاکنون مناطق وسیعی را آزاد کرده و در تدارک کسب سراسری قدرت سیاسی است. بعد از ۱۷ سال که از سقوط قدرت پرولتاریا در چین میگذرد، افق تولد یک دولت پرولتری نوین بخوبی نمایان گشته است. این امر ضربه ای کاری بر کارزار جهانی امپریالیستها و مرتجعین در مورد «مرگ کمونیسم» و «بلا استفاده» بودن ایدئولوژی پرولتاریاست. انقلاب پرو و ایدئولوژی رهائیبخش آن، به منبع امید و الهام میلیونها قربانی نظام امپریالیستی در سراسر جهان بدل میشود. به همین جهت است که صدها هزار تن از مردم جهان به طرق گوناگون به مبارزه مهمی که امروز در ابعادی بین المللی بر سر دفاع از جان رفیق گونزالو صدر حزب کمونیست پرو جریان دارد، پیوسته اند. صدر گونزالو هشت ماه پیش به دام سازمان امنیت پرو که مستقیماً تحت هدایت سازمان سیا آمریکا قرار دارد افتاد و اکنون در اسارت این دژخیمان بسر میبرد. صدر گونزالو سریعاً در سطح جهانی به مظهر و سرمشقی بدل گشته که توده ها از گفتار و کردارش، اهمیت رهبران ثابت قدم، سازش ناپذیر و فاسد نشدنی مائوئیست برای به پیروزی رساندن انقلاب را در می یابند. در جریان این نبرد انترناسیونالیستی که پنج قاره را در برمی گیرد، صف متحدی از مدافعان انقلاب ستمدیدگان و مخالفان حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع تحت هدایت خط و برنامه انقلابی ارائه شده توسط کمونیستها تشکیل گشته است. «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» که احزاب و سازمانهای مائوئیست جهان منجمله حزب کمونیست پرو را در خود جای داده وظیفه رهبری این مبارزه را بر دوش گرفته است. سازمان ما افتخار میکند که یکی از شرکت کنندگان در این جنبش است. «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» که از سه مشعل فروزان و راهنمای مارکس، لنین و مائوتسه دون پیروی میکند، صدمین سالگرد تولد مائو را بزرگ میدارد و بویژه از این مناسبت برای تربیت گردانهای جدید پرولتاریا در کشورهای مختلف بر مبنای تعالیم وی استفاده میکند. این تربیتی حیاتی است که هر پرولتر و ستمدیده رزمنده و جویای رهایی در ایران نیز بدان نیاز دارد. این پیام اول ماه مه امسال است! کارگرانی که نمیخواهند مرگ تدریجی خود و همزنجیرانشان را در پای ماشینهای تولید سود سرمایه داران ایرانی و خارجی تحمل کنند، دهقانان تشنه زمین و زحمتکشان حاشیه نشین که حاضر نیستند قربانیان بی سر و صدای طرحهای اقتصادی زالو صفتان اسلامی باشند، زنان و جوانان عصیانگری که بدنبال فلسفه ای مبارزه جو میگردند، روشنفکرانی که میخواهند چشمان حکام ستمگر اسلامی را از کاسه بدر آورند و بدنبال علمی میگردند که ابزار دستشان باشد، آن عده انقلابیونی که دست از آرزوهای خود نکشیده اند اما در بحبوحه تلاطمات سیاسی حیرت آور چندین سال گذشته گیج و مبهوت گشته اند، باید با میراث انقلابی مائوتسه دون آشنا شوند و آنرا بیاموزند.

ما تاکید میکنیم که دفاع از تنها دیدگاه انقلابی عصر ما، یعنی کمونیسم، بدون پیشبرد مبارزه عملی برای سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی ایران و برافکندن یوغ امپریالیسم از گردن خلقهای ایران، امکانپذیر نیست. پس به صفوف اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) بپیوندید تا نیرومندتر و استوارتر برای آغاز جنک خلقمان مبارزه کرده و انقلاب دموکراتیک نوین و سوسیالیستی ایران را در خدمت به برقراری کمونیسم در سراسر جهان، بسر انجام برسانیم.

زنده باد اول ماه مه سرخ، روز انترناسیونالیسم پرولتری!  
پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران!  
برافراشته باد پرچم ظفرنمون جنک خلق!  
سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش!  
زنده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی!  
زمین و زمان را در دفاع از جان گونزالو بهم بریزید!  
صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون را بطریقی فراموش نشدنی برگزار کنیم!

## شبح مائوتسه دون بر فراز نظم نوین جهانی در گشت و گذار است

میراث مائوتسه دون را بطور عمیق و گسترده اشاعه دهید! - اول ماه مه ۱۹۹۳

۱۹۹۳ صدمین سالگرد تولد رهبر و آموزگار کبیر انقلابی مائوتسه دون است. این سالگرد در دورانی فرا می رسد که از اهمیتی بسزا برای پرولتاریای بین المللی برخوردار است. جهان دستخوش آشوبی عظیم است و امکان اینکه موج مبارزاتی نوین نظام امپریالیستی را بلرزه در آورده، اینک در افق نمایان گشته است. اما اینکه این دور مبارزاتی به يك نتیجه سراسر متفاوت یعنی رهایی حقیقی و انقلاب پرولتاری خواهد رسید یا نه، به يك عامل تعیین کننده وابسته است: آیا ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی پرولتاریای بین المللی این مبارزات کوبنده را علیه نظم کهن و «نوین» رهبری خواهد کرد؟ رهبری از آن که خواهد بود؟

توده های ستمدیده و انقلابی در پی آن ایدئولوژی هستند که بتواند نظام موجود را دفن کند و نه اینکه فقط ضرباتی بر آن وارد آورد. آنها دیده اند که بسیاری از مبارزات محقانه شان از مسیر منحرف شده، وجه المصلحه قرار گرفته یا نتوانسته موانعی که لازمه يك گسست کامل از امپریالیسم است را کنار زند. از نظر مقاومت، شجاعت، فداکاری و کینه عمیق طبقاتی کمبودی نیست، اما توده ها بدون رهبری ایدئولوژی پرولتاری و يك حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیستی نمی توانند بطور کامل از این کیفیات برای پیروزی استفاده کنند.

طبقات حاکم و استثمارگر سراسیمه بر آنند که ایدئولوژی ما را ریشه کن کنند. آنها پلیدکارانه به تحریف تاریخ و درسهای پرولتاریای بین المللی بویژه دستاوردهای بی سابقه اش طی ۱۵۰ سال گذشته می پردازند و می کوشند آنرا محو کنند. آنها برای کسب سود با سلاحهای مرگبار و از طریق له کردن وحشیانه و روزمره انسانها اعلام می کنند که شکست ناپذیرند. ایدئولوژی بورژوائی مبتنی بر منافع تنگ نظرانه شخصی هیچ نیست مگر دفاعی ترحم انگیز از برده داری مدرن. حال آنکه ایدئولوژی ما بیدار کننده و رهاییبخش است. پس مسلم است که می باید زراد خانه های عظیم فرهنگی شان را بکار اندازند تا ایدئولوژی ما را از اذهان و دستان مشتاق مردم زحمتکش دور نگهدارند، مردمی که تحت انقیاد آنها هستند، و امپراطوری های سودشان بر کرده آنها بنا شده است. اگر چنین نکنند چگونه می توانند با قیافه ای حق بجانب دایناسورهای ارتجاعی و کاپیتالیستی نظیر یلتسین و دن سیانو پین را تبلیغ کنند و در مقابل به مسخره کردن لنین و مائوتسه دون و انقلابات دوران ساز میلیونی تحت رهبری آنها پردازند؟ چگونه می توانند شورشگران قهرمان فلسطین و لس آنجلس که برای آزادی و عدالت می جنگند را جوانان نادانی تصویر کنند که نمک می خورند و نمکدان می شکنند و خانه و کاشانه خود را به آتش میکشند؟

امروز تقابل این دو جهان بینی متضاد روشنتر از هر جا در کشور پرو مشاهده می شود؛ در جاییکه مرتجعین و امپریالیستها دیوانه وار تلاش می کنند تا جنگ خلق توفنده را توسط قدرت نظامی متوقف سازند و آنرا از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک به محاصره در آورند. در جنگ خلق پرو، حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست - مائوئیست این کشور کارگران و دهقانان را رهبری می کند و حمایت بخشهای گسترده ای از روشنفکران و اقلات دیگری از طبقات میانی را کسب کرده است تا رژیم فاسد و دست نشانده امپریالیسم آمریکا را در پرو سرنگون کرده و دولت نوین پرولتاری را خلق کند. درست هنگامیکه حکام جهان مرگ چاره ناپذیر کمونیسم را اعلام کرده و این ایدئولوژی را «بی مصرف» و از رده خارج شده معرفی نموده اند، يك دولت توده ای نوین تحت رهبری پرولتاریا بار دیگر برای ظاهر شدن در صحنه سیاسی خود را آماده می کند و در دل ستمدیدگان سراسر جهان آتش امید را شعله ور می سازد. و به همین خاطر است که آنها مجبورند خطر کرده و بطور تمام و کمال به رفیق گونزالو صدر حزب کمونیست پرو و رهبر انقلابی میلیونها توده حمله کنند و او را بعنوان خطرناکترین فرد روی زمین مورد لعن و نفرین قرار دهند. خطرناک برای چه کسانی؟

ما باید در اول ماه مه امسال در حالیکه جنگ خلق به پیشروی ادامه می دهد، برای بسرانجام رساندن نبردی تاریخی که در دفاع از جان صدر گونزالو در چهار گوشه جهان براه افتاده همچنان برزمیم. کارزار هر روز حامیان جدیدی پیدا می کند و این ضد حمله قدرتمند مرتجعین و امپریالیستها را وامی دارد که سراسیمه و بیش از پیش برای ممنوع و خاموش کردن مخالفت جهانی با جنایاتشان در پرو تلاش کنند. مرزهای طبقاتی میان دوستان و دشمنان روشنتر از گذشته ترسیم می شود. همه این امور بر اهمیت ارتقاء مبارزه برای دفاع از جان رفیق گونزالو تاکید گذارده و آنرا با اضطرار در مقابل پرولتاریا مطرح می کند تا در سطحی گسترده تر دوستان و یاران خود را متحد کرده و رهبری نماید.

میراث مائوتسه دون کابوسی است برای حکام جهان. آنها از طریق جهاد ضد کمونیستی خود می خواهند ستمدیدگان را از مسلح شدن به تنها ایدئولوژی رهاییبخش منع کنند. اول ماه مه امسال با برپائی ضد حمله ایدئولوژیک خود و مبارزه بخاطر انقلاب در سراسر جهان این میراث را عمیقتر و وسیعتر اشاعه خواهیم داد تا گردانهای جدید انقلابیون پرولتاری در شماری بسیار تربیت شوند. همانگونه که رفیق گونزالو با قاطعیت و اطمینان از پشت میله های زندان دشمن پیام داد:

باشد تا صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون را بطریقی فراموش نشدنی جشن بگیریم!

درفش های سرخ مارکس و لنین و مائوتسه دون را هر چه رفیعتر به اهتزاز در آورید!

زمین و زمان را در دفاع از جان صدر گونزالو بهم بریزید!

ما به رفیق گونزالو در جایگاهش که صف مقدم انقلاب پرو و جنبش بین المللی کمونیستی است نیاز داریم! برای آزادیش نبرد کنید!

زنده باد اول ماه مه سرخ روز انترناسیونالیسم پرولتاری!

زنده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی!

کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی